دلایل توقیف «بهار» نه محکمه پسند بود، نه مردم‌پسند

اشاره: سعید پورعزیزی، هم اینک به عنوان مسؤول دفتر امور رسانه‌های دفتر رئیس جمهور مشغول به فعالیت است. اما بسیاری وی را فارغ از مسؤولیت‌های اجرایی اش به عنوان یک فعال مطبوعاتی می شناسند. چندین سال فعالیت مطبوعاتی در روزنامه‌های اطلاعات و همشهری و مدیر مسؤولی هفته‌نامه بهار و همچنین روزنامه‌ای با همین نام - که البته هر دو به محاق توقیف فرو رفت - باعث شده که وی در نزد عموم به عنوان یک چهره مطبوعاتی شناخته‌تر باشد. اعلام حکم روزنامه بهار و محکومیت وی به عدم فعالیت مطبوعاتی، به صورت موقت - موجب شد که انتشار مجدد روزنامه «بهار» که بسیاری آن را قریب‌الوقوع می دانستند، به تعویق بیفتد و همین بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو با سعید پورعزیزی. گفت‌وگویی که البته دامنه آن به عرصه فعالیت‌های اجرایی وی نیز کشیده شد.

***

لطفاً برای شروع مصاحبه سابقه‌ای از هفته‌نامه «بهار» ذکر کنید، چگونه این هفته‌نامه منتشر شد با چه تیم مطبوعاتی شروع کرد و چند شماره منتشر شد و چرا توقیف گردید؟

هفته‌نامه «بهار» سال ۷۳ مجوز انتشار گرفت و سال ۷۴ در آستانه انتخابات مجلس پنجم به واسطه رقابت‌های انتخاباتی که در آن بیشتر حول محور دو جناح کارگزاران و محافظه‌کاران بودند، منتشر شد و به لحاظ فضایی که ایجاد کرد، با استقبال روبه‌رو گشت. چرا که «دید سیاسی» داشت و موضوعات جدیدی را که در مطبوعات آن سال‌ها تازگی داشت عنوان می‌نمود و بعد از دوم خرداد ۷۶ در نشریات اصلاح‌طلبان نمونه این نگاه را بیشتر در مطبوعات شاهد هستیم. به همین خاطر پس از سه شماره در اسفندماه سال ۷۴ با نظر هیأت نظارت بر مطبوعات آن زمان حکم توقیف آن داده شد. البته اعتراض ما از همان‌روز اول آغاز شد و سپس به دیوان عدالت اداری ارسال شد و در نهایت پس از ۲سال‌ونیم، (سال ۷۷) ما توانستیم حکم برائت هفته‌نامه «بهار» را بگیریم.

این نشریه باحضور بسیاری از نویسندگان که اکنون خود از محورهای مطبوعات اصلاح‌طلب هستند توانست در همان سه شماره اول جایگاه ویژه‌ای برای خود پیدا بکند. در شماره اول آن مقاله‌ای از آقای خاتمی که بیانگر دیدگاه‌های ایشان بود و برای نخستین بار مطرح می شد، منتشر گردید، عنوان این مقاله «حضرت علی(ع) و حرمت انسان» بود. و این مقاله نخستین مورد از طرح مواضع آقای خاتمی در یک نشریه سیاسی بعداز استعفای سال ۷۱ بود.

عمده موارد اتهامی «بهار» که منجر به توقیف آن شد چه بود؟

نظری که هیأت نظارت برای «بهار» صادر کرد، براساس قانون مطبوعات گذشته بود. اما دیدگاه ما همان بود که در دیوان عدالت اداری هم مطرح کردیم. به ما عنوان کردند که بهار خلاف رویه مطبوعاتی عمل کرده است. البته نظر مبهمی بود و معلوم نبود این «رویه» که بیان می کنند چیست و چگونه باید باشد لذا در دیوان عدالت اداری نیز ما به آن اعتراض کردیم و آنها هم پذیرفتند که این مبهم‌گویی است و مورد پذیرش قرار نگرفت.

فحوای کلام شما بیانگر آن است که، توقیف هفته‌نامه بهار پیش از آن که حقوقی باشد، ناشی از یک برداشت «سیاسی» بوده، درست است؟

بله، من این تصمیم را سیاسی می دانم. فضای برخورد با مطبوعات در آن زمان بدین صورت بود که اجازه فعالیت آزادانه به نویسندگان و روزنامه‌نگارانی که با خط مشی سیاسی وزارت ارشاد آن زمان مخالفت داشتند کمتر داده می شد. نگرش بسته مسؤولان ارشاد با بازگذاشتن فضای اطلاع‌رسانی و جریان آزاد مطبوعات سازگار نبود و جالب است که برخی از آن مسؤولان حالا در مصدر امور چند نشریه نشسته‌اند و آن تنگ نظری بر فضای مطبوعاتی را فراموش کرده‌اند و حداقل از جنبه فرهنگی و حرفه مطبوعاتی آرای سابق خود را هم قبول ندارند.

«بهار» در سال ۷۷ رأی برائت گرفت، اما تا سال ۷۹ که به شکل روزنامه «بهار» آن هم در فضایی سنگین منتشر گشت، دو سال وقفه افتاد. علت این دوسال وقفه چه بود؟

من به علت مسؤولیت اداری و سمتی که در دفتر رئیس جمهوری به عنوان مدیر کل اخبار و مطبوعات داشتم، فرصت چندانی نداشتم آن را منتشر کنم اما برنامه‌ام این بود که امکان انتشار آن را فراهم کنم.

چه زمانی هفته‌نامه «بهار» به روزنامه «بهار» تغییر پیدا کرد؟

قبل از سال ۷۸ بود که مجوز آن را به روزنامه تبدیل کردیم.

«بهار» سه هفته پس از توقیف گسترده مطبوعات منتشر شد و فضایی سنگین بر مطبوعات کشور حاکم بود. روزنامه چندانی از سوی اصلاح‌طلبان منتشر نمی‌شد. چه‌طور شد که به یک‌باره تصمیم گرفتید در این فضای سنگین روزنامه منتشر کنید؟

قبول دارم. در آن شرایط انتشار و کار روزنامه‌نگاری بسیار سخت بود. توفیف دسته جمعی مطبوعات، ضربه سنگینی به جریان آزاد اطلاع‌رسانی بود. اما، به خاطر خط مشی سیاسی و تبیین بهتر شعارهای رئیس جمهور نیاز به حضور یک روزنامه جدید داشتیم که به این وسیله آن جریان آزاد اطلاع‌رسانی برای پیشبرد اصلاحات به نحوی ادامه پیدا بکند و روزنامه مستقلی هم بدون اتکا به بخش عمومی و دولتی برای طرح نظرات سیاسیون و جناح‌های اصلاح‌طلب در عرصه حضور داشته باشد.

بنابر دلایلی که بارها عنوان شده روزنامه‌ها در اردیبهشت سال ۷۹ توقیف شدند. آیا این دلایل برای عدم انتشار «بهار» مناسب نبود؟

دلایلی که عنوان شده بود برای بستن و توقیف آن تعداد مطبوعات نه دلایل محکمه‌پسندی بود و نه با رویه‌ای که مردم در دوم خرداد ۷۶ انتخاب کرده بودند سازگار بود. به هر حال شرایط دشواری برای آغاز به کار یک روزنامه جدید بود، با وجود مشکلات کاری با تشویق و یاری تعدادی از همکاران مطبوعاتی که از قدیم می شناختم «بهار» منتشر شد.

زمانی که «بهار» منتشر شد، تصور این را داشتید که به زودی توقیف خواهد شد؟

احتمال می دادیم که با «بهار» برخوردی صورت گیرد اما بنا را بر این نگذاشتیم. سعی می کردیم مطالب خود را به دور از افراط و تفریط و بکاربردن تیترهای جنجالی، بیان کنیم و حتی مجبور می شدیم بسیاری از مقالات را تعدیل کنیم تا به ادامه کار روزنامه امیدوارتر باشیم.

اما بهار پس از ۸۴ شماره، توقیف شد.

بله شرایط مطبوعات کشور به گونه‌ای در طول تاریخ بوده و هست که نمی شود چشم برآنها بست. در دادگاه روزنامه بهار نیز اشاره کردم که در آن روز جنجالی که مجلس ششم بحث پیرامون اصلاح قانون مطبوعات را پی گرفته بود، تمام حجم گزارش بهار از این جلسه فقط یک چهارم صفحه بود در صورتی که بسیاری انتظار داشتند «بهار» از تمام وقایع، سخن‌ها و اعتراض‌ها و کم و کیف ماجرا اطلاع‌رسانی کند ولی ما سعی می کردیم ضمن اطلاع‌رسانی به اصطلاح قطره‌ای و گزینشی، روزنامه به محاق توقیف فرو نرود. اما دیدیم که این حجم از گزارش نیز تحمل نشد.

دلایل توقیف موقت چه بودند؟

اتهام ما مصاحبه جعلی با یکی از نمایندگان مجلس عنوان شد که اصل اتهام در دادگاه اثبات نشد و این نشان می دهد که برخورد با روزنامه‌ای مثل بهار، براساس مواد ۱۲ و ۱۳ قانون اقدامات تأمینی تا چه اندازه سست و بی پایه است.

جای سؤال اساسی از قوه قضائیه باقی است که چرا یک سال و نه ماه به علت یک اتهامی که ثابت نیز نشد، روزنامه‌ای توقیف می‌شود؟

من به خاطر حضور فعالم در عرصه های انقلاب، از نخستین روزهای پیروزی انقلاب تا زمانی که در شورای انقلاب نزد بسیاری از بزرگان از نزدیک فعالیت داشتم و در خدمتشان بودم، بسیاری درس ها نیز آموختم و از سال ۵۹ به طور بسیار فشرده و تقریباً شبانه روز در عرصه مطبوعات فعالیت داشتم.

نظر شخصی ام بر آن است که حکایت آن چه بر مطبوعات می رود تکرار همان وضعی است که در طول تاریخ یکصدساله اخیر برسرنوشت جنبش اصلاح‌طلبانه کشور رفته و می رود. تا زمانی که آن گونه رفتار با مطبوعات تصحیح نشود و مورد تجدیدنظر قرار نگیرد اصلاحات نیز به راحتی نمی تواند به راه خود ادامه دهد و اموری مانند توسعه و پیشرفت در کشور مفاهیمی مغفول باید تلقی گردد. در کشوری که برای اندیشمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران احترامی قائل نباشند و ایشان را در ردیف چاقوکش‌ها و اشرار و مجانین قرار دهند و تحملی برای شنیدن سخن آنها نباشد و وسیله بیان و قلم را توقیف کنند همان می گذرد که مغزها فرار کنند و مدیران کاردان دلسوز وطن در عرصه حضور پیدا نمی کنند.

پیردازیم به حکمی که دادگاه چند روز پیش برای «بهار» صادر کرد. پس از یک سال و نه ماه توقیف موقت، حکم دادند که باید ۶ ماه دیگر نیز این روزنامه در توقیف باشد، شما این حکم را قبول دارید و به آن اعتراض خواهید کرد؟

دادگاه بهار براساس شکایت مدعی‌العموم و چند شکایت خصوصی تشکیل شد. منتها دفاعیات ما به گونه‌ای بود که توانسته بود هم مورد قبول ریاست دادگاه و هم هیأت منصفه قرار بگیرد، لذا از نظر قضایی، فقط در دو مورد از شکایت مدعی‌العموم و یک مورد شاکی خصوصی مجرمیت برای هیأت منصفه محرز شناخته شد و درباره دیگر موارد تبرئه شدیم.

موارد اتهامی چه بودند؟

یک مورد اهانت به مسؤولان و ارکان نظام و مورد دوم نیز تبلیغ علیه نظام بود.

بنده برایم این سؤال مطرح است که چرا دو نوع مجرمیت اهانت به مسؤولان و تبلیغ علیه نظام برای محتوای دو اتهام شبیه به هم که هر دو مطلب اعتراض به نحوه برخورد قوه قضائیه بوده است، درنظر گرفته شد. لذا به علت مجرمیت که در دادگاه ثابت شده است بنده از مسؤولیت های مطبوعاتی موقتاً محروم شدم. لذا «بهار» نمی تواند تا پایان ۶ ماه از زمان ابلاغ حکم محرومیت منتشر شود. در این حکم علی رغم نظر هیأت منصفه مبنی بر تخفیف در مجازات کاملاً در مورد یک سال و نه ماه توقیف این روزنامه سکوت شده است و بنده نمی دانم چگونه در رأی دادگاه هیچ ملاحظه‌ای در مورد این مدت طولانی توقیف موقت نشده است؟ ولی در عین حال درخواست تجدیدنظر را هم از جهت اطاله دادرسی مفید نمی دانم.

شما به واسطه سمت و شغلی که در دفتر رئیس جمهوری دارید طبیعتاً دسترسی به بسیاری از اطلاعات و اخباری داشتید که برای روزنامه‌های دیگر امکان‌پذیر نبود.

همیشه تأکید براین داشتم که در شغل روزنامه‌نگاری از مسؤولیتی که دارم و امکان دسترسی به اخبار استفاده ننمایم.

چرا دچار این ملاحظات می‌شدید؟

ابتدا بگویم که در ساختار جدید دفتر رئیس جمهوری، در بخشی با عنوان دفتر امور رسانه‌ها مسؤولیت دارم. طبیعتاً در این دفتر وظیفه اصلی رسیدگی به امور رسانه‌ها است. که شامل دو بخش است. اول وظیفه اطلاع‌رسانی به رئیس جمهوری است که عمده مطالب روزنامه‌ها و نشریات را به ایشان اطلاع می دهیم. دوم نیز تهیه و تنظیم اخبار رئیس جمهوری و ارسال به مطبوعات و رسانه‌ها است.

اطلاعاتی که به رئیس جمهور منتقل می‌شود به چه روش و از چه کانالی صورت می گیرد.

این دفتر به طور روزانه و به سرعت و دقت گزارشی بین ۱۲ تا ۱۵ صفحه از سرمقاله‌ها و گزارش های مهم روزنامه‌های صبح تهیه و قبل از ساعت ۸ صبح به ملاحظه ایشان می رساند. البته چند روش دیگر برای انتقال مطالب روزنامه و نشریات به رئیس جمهوری وجود دارد. اول بولتن هفتگی است؛ در این بولتن از انتقاداتی که در مطبوعات صورت می گیرد، گزارشی کاملاً کارشناسی تهیه و تمامی انتقادات بررسی می شود، سپس آنها به محورهای مختلف تقسیم می گردند. موارد انتقادات و محورهای انتقادی به همراه جدول در گزارش ۷۰ - ۸۰ صفحه‌ای به ایشان ارائه می شود. البته از این گزارش ۲ خلاصه دیگر تهیه می شود. اولی در حجم حداقل ۱۵ صفحه و دیگری در حجم حداقل ۵ صفحه. اگر رئیس جمهوری به عللی وقت نداشته باشند که حجم بیشتر مطالب را مرور کنند، این ۵ صفحه مطلب را مطالعه می کنند. غیر از این بولتن، مطالب خاص روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها به طور روزانه و حداکثر در چند مورد برای ایشان گزارش تهیه می شود که بسیاری از این گزارش ها موجب پی نوشت و ارجاع آن به دستگاه‌ها شده است. اما گذشته از این موارد شخص رئیس جمهوری خودشان معمولاً روزنامه‌ها را ملاحظه می کنند و وقتی را در روز به مطالعه مطبوعات اختصاص می دهند.